

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۶۰۰ تومان

شماره مسلسل: ۳۴۷۰
پخشیه ۲۶ اسفند ۱۳۹۷
۱۰ رجب ۱۴۴۰
۱۷ مارس ۲۰۱۹
شماره ۲۷۳۲

www.fdn.ir | Sun | 17 Mar 2019 | vol.10 | No. 2732 | 16 Pag

مسعود ده‌نمکی کارگردان فیلم سینمایی «زندانی‌ها» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

حرف تندوتیز سیاسی در سینمای ما اشباع شده است

مدیرکل کارآفرینی و تجاری‌سازی دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

مراکز رشد دانشگاه سرباز می‌گیرند



«۲»

چالش‌های قوه قضائیه و راه حل‌های پیشنهادی



سید محمود علیزاده طباطبائی

وکیل دادگستری

قبل از پیروزی انقلاب با ۳۵ میلیون نفر جمعیت کشور، در کاخ دادگستری ۳۸ شعبه دادگاه شهرستان، ۱۳ شعبه دادگاه تجدیدنظر و پنج شعبه دیوان عالی جنبی مستقر بودند و دادستان تهران هم شامل کرج، قزوین، قم، سمنان و اراک بود و همین تعداد شعب به پرونده‌های استان تهران رسیدگی می‌کردند. اکنون جمعیت کشور کمی بیش از دوبرابر شده و به‌طور معمول تعداد شعبه دادگاه‌ها باید ۲/۵ برابر شود در حالی که کمیت دادگاه‌ها غیرقابل تصور شده است. شاید علت عمده این بوده که اولاً قضات تحت کنترل بودند ثانیاً قضات درست درس خوانده بودند، ثالثاً قضات استقلال داشتند و شخصی یا نهادی به خود اجازه نمی‌داد در کار قضات دخالت کند.

بهترین مرجع تربیت قاضی، دانشکده علوم قضایی دادگستری است، جایگاه این دانشکده باید مرتفع باشد، درس‌های غیرحقوقی آن کاهش یابد و این دانشکده به یک مرجع علمی جهانی مبدل شود. دومین مرجع تربیت قاضی، دوره‌های کارآموزی و بازآموزی قضات است. این دوره‌ها باید خیلی جدی گرفته شود و ارزیابی دوره‌های کارآموزی در ترفیع قضات و به دست آوردن مناسب قضایی موثر باشد. متأسفانه در ۴۰ سال گذشته تشویق مردم به طرح دعوی و مراجعه به دستگاه قضایی گسترش پیدا کرده است. مهم‌ترین دلایل افزایش مراجعه به دادگستری میزان قوانین است. کافی است قوانین مجلس شورای ملی یا قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی مقایسه شود؛ قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی چندین برابر قوانین مجلس شورای ملی است. معروف است که قانون زیاد، قانون را می‌کشد و اهمیت و اعتبار قانون را از بین می‌برد و علاوه بر این هر ماده قانون می‌تواند منشأ ده دعوی جدید قرار گیرد. این طبیعی نیست در کشوری که کمتر از ۳۰ میلیون خانوار جمعیت دارد در سال ۳۲ میلیون خانوار به دادگستری مراجعه کنند (۱۶ میلیون پرونده به پرونده دو طرف داشته باشد می‌شود ۳۲ میلیون مراجعه‌کننده به دادگستری) و ورودی زندان‌ها سالانه یک میلیون نفر باشد. یکی دیگر از دلایل افزایش پرونده‌های قضایی وضعیت محدودکردن صلاحیت محاکم انقلابی و توسعه صلاحیت قضات عمومی در رسیدگی به جرائم باعث تحکیم قوه قضائیه و ایجاد اعتماد عمومی به قوه قضائیه می‌شود و اعتبار دستگاه قضایی را بالا می‌برد.

تلاش در جهت گسترش صلاحیت‌های قوه قضائیه به اعتبار دستگاه قضایلمطعمه می‌زند.

کانون وکلای مستقل تضمینی برای سلامت دستگاه قضایی است و وابسته کردن کانون وکلا به قوه قضائیه اعتبار آرای قضایی را در مجامع بین‌المللی مخدوش کرده و مانع تعامل قضایی بین ایران و سایر کشورها می‌شود.

یکی دیگری از اموری که اعتبار دستگاه قضا را نزد مردم و نظام بین‌المللی مخدوش می‌کند، امنیتی کردن جرایم سیاسی است.

وقتی قانون اساسی گسترش آزادی‌های عمومی و عدالت را سرلوحه وظیفه قوه قضائیه قرار داده است، محدودکردن آزادی‌های مردم با امنیتی کردن هرگونه انتقاد و اعتراض به مقامات حکومتی توجیهی ندارد.

در خارج از کشور از هر زندانی به‌عنوان یک مخالف حکومت یاد می‌شود، صرف‌نظر از اینکه آنها سوءنیت دارند ولی نحوه قانونگذاری و قضاوت نباید طوری باشد که همه امور کیفری باشند و زندان‌ها پر شود. در اینکه بعضی پرونده‌ها ناگزیر سیاسی هستند حرفی نیست ولی اینکه اجازه داده شود در یک پرونده حقوقی یا کیفری نوعاً غیرسیاسی مقامات امنیتی با سیاسی اعمال نظر کنند، امری ناپسند است. کسانی که آقای رئیسی را از نزدیک می‌شناسند و از ساده‌زیستی، سوابق قضایی و مراتب علمی ایشان مطلع هستند از ورود وی به مدیریت قوه قضائیه خرسندند و امیدوار به اصلاح امور احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع و تأمین امنیت قضایی عادلانه برای همه مردم، منافع بلندمدت حکومت در تأمین عدالت و مبارزه با فساد است و باید تأمین امنیت و حمایت از افشاگران فساد، قانونمند شود و از قدرت افکار عمومی برای تحت‌نظر قرار دادن مسئولان استفاده شود. قوه قضائیه از ناکارآمدی رنج می‌برد و باید با ایجاد تحولات سریع این قوه در جایگاهی قرار گیرد که به تعبیر مقام‌بره‌ری مظهر عدالت و ملجا مورد اطمینان و پناهگاه آرام‌بخش مردم باشد. در ادامه طرح توصیه‌هایی به رئیس جدید قوه قضائیه خالی از لطف نیست.

۱- عقیده عمومی بر سلامت مالی و اخلاقی ریاست قوه است، لذا باید از نزدیک شدن افراد ناراست احتراز کنند و مشاوران و رئیس حوزه ریاست را از افراد خوشنام و مورد اعتماد قضات انتخاب کنند.

۲- از ضربه زدن به قضات فاسد احتراز نکنند.

۳- دادگاه انتظامی را با نصب قضات مستقل و سالم تقویت کنند و به آن اختیارات بدهند.

۴- در عزل و نصب روسای مجتمع‌ها و شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌های تجدیدنظر اول سلامت را ملاک عمل قرار دهند.

۵- در انتخاب دادستان تهران که تأثیر فراوانی در افکار عمومی دارد دقت لازم انجام‌شود از افراد مغرور و متعصب در این پست و پست دادستان‌های مراکز استان خودداری شود.

۶- از نصب غیرقضات در مناصب تصمیم‌گیری خودداری شود.

۷- عدم تخصص در مشاغل حساس بیش از فساد به وجهه قوه قضائیه لطمه می‌زند.

۸- برای ریاست دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور با عنایت به شرط اجتهاد از قضات مجتهد غیرمعمم که از سلامت و اعتبار بین قضات برخوردار هستند، استفاده شود.

۹- از بازنشسته کردن قضات سالم و مستقل جلوگیری شود.

۱۰- تشکیلات نظارتی و کنترلی غیر از دادگاه انتظامی را تقویت کنند، به‌خصوص حفاظت اطلاعات باید سالم‌سازی شود.

۱۱- در صورت ابقای ماده ۴۷۷ استفاده از مشاوران سالم و مستقل از قضات شاغل و بازنشسته در ساعات غیراداری فرصت‌های سه‌ساله رسیدگی را به سه‌ماه تقلیل دهند.

۱۲- برداشت عمومی از حوزه ریاست قوه قضائیه برداشت مثبتی نیست؛ در این زمینه باید راهکاری اندیشیده شود.

۱۳- به هیات‌مدیره کانون وکلا و کانون سردفتران و کانون کارشناسان فرصت‌های ماهانه یا حداکثر سه‌ماهه برای ملاقات با رئیس قوه قضائیه و طرح مشکلات و ارائه راه‌حل داده شود، به‌خصوص کانون وکلا که بیش از ۹۰ درصد قضات بازنشسته را تحت پوشش دارد می‌تواند در حل مشکلات موثر باشد.

۱۴- بهبود روابط با کانون‌ها از یک‌طرف و اصلاح ساختار آنها از طرف دیگر می‌تواند از بار انتقاد این اجتماع نسبت به قوه قضائیه بکاهد.

۱۵- در نصب دادستان‌ها و روسای دادگستری استان‌ها سلامت و استقلال و سابقه خدمت بسیار مهم است که در صورت رعایت، اولین روسای دادگاه‌های شهرستان‌ها و دادستان‌ها را درست انتخاب خواهد کرد.

نیویورک تایمز فاش کرد

رسوایی بزرگ در دانشگاه‌های آمریکا

«۶»

افزایش تمایل به خرید کالای دست دوم هم به نفع مصرف‌کننده است هم اقتصاد کلان

برد-برد زوری!

«۸»

«عصر جدید» امپریالیسم فرهنگی

۱- نسام «آدورنو» و «مکتب فرانکفورت» با «صنعت فرهنگ» گره خورده است. مهم‌ترین ویژگی تعریف‌کننده صنعت فرهنگ از نگاه او، «استانداردسازی» است. استانداردسازی به تجزیه افراد، همانند کالاها، به‌آمار صرف و برچسب‌های طبقه‌ساز منجر می‌شود؛ یعنی هیچ چیزی برای مصرف‌کنندگان باقی نمی‌ماند که بتوانند طبقه‌بندی کنند. تولیدکنندگان این کار را به‌جای آنها انجام داده‌اند. پیگیری نیازهای مصرف‌کننده سبب ایجاد تفاوت‌های سطحی بین کالاهایی می‌شود که به صورت انبوه و براساس ویژگی‌های سبکی مقابل تنوع ذاتی در کیفیت، تولیدشده‌اند.

براساس معنای «بت‌واگی» کالا در مارکسیسم کلاسیک، آدورنو بحث می‌کند که توده مردم درحین مصرف و براساس کالاهایی که استفاده و میان خودشان مبادله می‌کنند، توصیف می‌شوند.

صنعت فرهنگ در خدمت منافع ایدئولوژیک اقتصادی و سیاسی است. این‌عمل از طریق تولید موسیقی، فیلم، برنامه‌های خلاقیت‌های احساس برانگیز انجام می‌شود که هدف از این محصولات، سرگرم کردن و آسان کردن مصرف‌برای مردم نیز راضی کردن آنان به سرنوشت‌شان و نیز عدم اعتراض و مطالبه است. چنان‌که آدورنو بر موسیقی عامه‌پسند به‌عنوان مورد مطالعه تمرکز کرده، مانیز می‌توانیم بر برنامه‌های عامه‌پسند متمرکز شویم و به همین اعتبار در چنین شرایطی از آنها همانند آدورنو به‌عنوان «رسانه‌نهایی کنترل اجتماعی یاد کنیم. اگر باین دید، به‌مساله‌بنگریم، نیک‌درمی‌یابیم که چرا «عصر جدید، نه‌تنها آوانگارد و اتفاقی نوبری رسانه‌ملی محسوب نمی‌شود که از قضایرنامه‌ای محافظه کار در تداوم «صنعت فرهنگ» است.

۲- متأسفانه، صنعت فرهنگ به گونه‌ای توده‌های مردم را شرطی کرده که آنان نسبت به تفکر عقلانی خنثی می‌شوند. نباید از این نکته غفلت ورزید که اگر هیچ‌کس دیگر نتواند سخن بگوید، یقیناً دیگر کسی برای گوش کردن وجود نخواهد داشت!

به اعتقاد آدورنو، صنعت فرهنگ، از طریق تأکید بر «خلافت فردی» هنرمندان خودبازاریابی برای این ستارگان عامه‌پسند تا توسل به فردیت مصرف‌کنندگان، «ساختار استاندارد شده» محصولات خود را پنهان می‌کند (گرچه این مصرف‌کنندگان به‌عنوان طرفداران معرفی می‌شوند). آدورنو این حالت را «شب‌فردی شدن» می‌نامد؛ یعنی وانمود می‌شود که این محصول، توسط نابغه‌ای منفرد، برای لذت فردی ساخته شده، اما در واقعیت، این «کالا» را تولیدکنندگان برای کسب سود

«۲» **بیانیه**

جمعی از اصحاب رسانه:

آتش تروریست‌ها دامان سردمداران غرب را خواهد گرفت

دست‌پنهان اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی سیاستمداران غربی از دستکش گروه‌های افراطی نژادپرست مجدد، بیرون آمد و جنایت دیگری را رقم زد.

جنایت تروریستی در دوسمجدنیوزیلند بار دیگر واقعیت فرهنگ غربی را نشان داد. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی پیش از این در نامه‌هایی که خطاب به جوانان غربی در پی حوادث تروریستی پاریس صادر کرده بودند از خطر فرهنگ غربی به‌عنوان فرهنگی که با دو ویژگی ابتذال و خشونت، جنایت می‌آفریند و آفرینشگر تروریست‌هایی است که در بستر آن تربیت، صلح و امنیت جهانی را به مخاطره می‌افکنند، یاد کرده و نسبت به آن هشدار داده بودند.

امروز خشم و شعله‌های آتش کینه سیاستمداران غربی از دهانه سلاح‌هایی که اسلام و مسلمانان مظلوم و بی‌دفاع را در دنیا هدف قرار داده و می‌هند، به‌خوبی مشاهده می‌شود. هندسه قدرت جهانی در حال تغییر و هژمونی غرب نیز در حال رنگ باختن است. اسلام و مسلمانان بی‌شک در هندسه جدید قدرت جهانی نقش برجسته‌ای ایفا خواهند کرد. حوادث منطقه و شکست‌های پی‌درپی آمریکا و رژیم کودک‌کش صهیونیستی از جبهه مقاومت، این افق نویدبخش را فراوری مسلمانان و ملت‌های آزادی‌خواه عالم گشوده است. به‌دوایزات برافتادن نقاب حقوق بشر از چهره لیبرال‌مؤکراسی و افشای ماهیت ضدبشری

دکتر ولایتی در شورای عالی انقلاب فرهنگی:

علم در تمدن اسلامی حتی به دلایل مذهبی محدود نیست

«۶»



تولید و برای مصرف جمعی بسته‌بندی کرده‌اند. باین استدلال، تغییر مسیر احسان علیخانی از «ماه‌عسل» به «عصر جدید» نه‌تنها در کارنامه حرفه‌ای او یک نقطه تاریک خواهد بود بلکه تحلیلگران رسانه و علوم انسانی را باین هشدار مواجه می‌سازد که «رسانه ملی» در آستانه یک «شیفت پارادایمی» قرار گرفته است. ماه‌عسل، نه‌تنها برندی از آن تلویزیون بود که به‌سهم خود بر اعتبار این رسانه می‌افزود بلکه نسخه‌بومی یک برنامه‌سازی موفق بود. این درحالی است که «عصر جدید» نه از آن رسانه ملی است و نه از آن علیخانی! «عصر جدید» ما را از آن خود خواهد کرد بی‌هیچ تفاوتی نسبت به سایر «تلنت شو»ها.

۳- در راستای مکتب فرانکفورت، نظر به امپریالیسم رسانه‌ای و فرهنگی شکل گرفت که محوریت آن مفهوم «تولید رضایت» بود. در توضیح آن باید گفت، کارکرد رسانه‌های جمعی در همه

دنیا خدمت به منافع حکومت‌ها و روایت‌های غالب است. البته، رسانه‌ها به شکل آشکار به انتشار پروپاگاندا اقدام نمی‌کنند، مگر اینکه دولتی باشند یا اینکه منافع اقتصادی نیرومندی آنها را کنترل کند. رسانه‌های جمعی معمولاً با سیاست‌های دولت همدلی می‌کنند و گرایش دارند تا تصاویر معترض را به حاشیه برانند. رسانه‌ها از طریق گزارش نگرانی‌های دولت به شکل ظاهری، اما غفلت از بررسی عوامل وسیع‌تر اقتصادی، اجتماعی و تاریخی که مسائل بین‌المللی را شکل می‌دهند، در میان عامه مردم، تولید رضایت می‌کنند. درواقع، این حالت «خودسانسوری»، روی هم رفته پیچیده‌تر و ناآگاهانه‌تر است، زیرا در پشت ادعای بی‌طرفی،

پنهان می‌شود که نهاد‌های رسانه‌ای بر آن تأکید می‌کنند.

۴- بی‌طرفی «اما گرافه گویی است. در همه دنیاسر رسانه‌ها سوبیه‌مند هستند و این امری طبیعی است. پرسشی که در پایان قابل طرح است این است که تلویزیون رسمی ایران، اولاً آیا ادعای بی‌طرفی دارد؟ ثانیاً از چنین نهاد پر قدرتی پذیرفته است که نمونه ایران‌بزه شده تلنت شوهای آمریکایی را در ابعادی سترگ به مخاطبان میلیونی خود تحمیل کند؟ اتلنت شو»ها توان کشف کدام استعداد منتقدانه، پیشروانه یا برساننده‌ای را دارند؟ «عصر جدید» در نگاهی خوشبینانه به‌شمار مخاطبان تلویزیون خواهد افزود اما مخاطبانی مسخ شده از نمایش‌های محیرالعقول. چنین مخاطبانی با عادت به مصرف سرگرمی‌های تخیذیری، بیش از آنکه در پی «روای ایرانی» باشند به منافع فردی خواهند اندیشید. مخاطبان «عصر جدید» تمرکز نشان بر تفاوت‌های فردی و «چیزی برای فرد دیده شدن» است. این درحالی است که رسانه ملی چنان‌که از نام آن برمی‌آید مهم‌ترین سالتش حفظ و استحکام مملت بودگی است. همه آنچه رسانه‌های استعماری در حال تخریب‌آند. کثرت در عین وحدت...

آن، اسلام و مسلمانان پیام‌آور تعامل صحیح و شرافتمندانه با جهان شده‌اند و در مبارزه‌ای بی‌امان با تروریسم جهانی چه در قالب گروه‌های نژادپرست غربی و چه در قالب گروه‌ک‌هایی مانند داعش و دیگر گروه‌های دست‌ساخته استکبار و ارتجاع سیاه منطقه، صداقت خود در پاسداری از صلح و امنیت جهانی و دفاع از حقوق انسان‌ها را به اثبات رسانده است.

ما به‌عنوان اصحاب رسانه که به‌نباه وظیفه اطلاع‌رسانی ناگزیر از انعکاس چنین حوادث دردناکی در رسانه‌ها هستیم، این وقایع تلخ و این روزهای تلخ را با اندوهی بی‌کران بر صفحه تاریخ ثبت می‌کنیم تا سسرخ خون مظلومان عالم، چه مسلمانان مظلومی که اخیراً در عبادتگاه خود در نیوزیلند به خون غلغیده‌اند و چه غیرمسلمانانی که پیش از این در هر نقطه‌ای از جهان هدف تیر بالای تروریست‌ها شدند در سیاهی‌های خشم و کینه سیاستمداران غربی و حامیان، مشاوران و مبارشان این قبیل جنایت‌ها به فراموشی سپرده نشود. به آنها هشدار می‌دهیم که دیر یا زود، آتشی که برافروخته‌اند دامن خود آنان را نیز خواهد گرفت.

ضمن محکوم کردن این جنایت وحشیانه و دردناک و عرض تسلیت به همه مسلمانان جهان خصوصاً داغدیدگان در این حادثه غم‌بار، آرزو می‌کنیم در سایه اتحاد و همدلی انسان‌ها شاهد جهانی عاری از خشونت و سرشار از صلح و امنیت برای پیروان همه ادیان باشیم.